

نوع مقاله:
پژوهشی

10.22052/HSI.2022.243612.0

مطالعه تطبیقی نقاشی دیواری روز محشر در بقعه لیچا گیلان و پرده «روز محشر» اثر محمد مدبر

زهرا مهدی پور مقدم*
محمد خزایی**
ابوالفضل عبداللهی فرد***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۶

صناعات
هنرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال چهارم، شماره ۱، پیاپی ۶

بهار و تابستان ۱۴۰۰

۵

چکیده

آثار هنری با موضوعات دینی، همواره اشاعه‌دهنده اعتقادات مذهبی و علاقه شیعیان به اسلام و روایات قرآنی است؛ از جمله مضامین اخروی و معاد. روایاتی از روز قیامت، زنده شدن مردگان و حسابرسی به اعمال آن‌ها در روز محشر، از جمله موضوعاتی است که در قرآن کریم، بسیار به آن توجه شده است. در این بین، دیوارنگاره‌های بقاع و پرده‌نگاری‌های مذهبی، مهم‌ترین بستر برای بازنمایی تصویری این مضامین هستند. در این پژوهش تلاش شده تا براساس رویکرد تطبیقی ابعاد گوناگون این آثار بررسی شود تا اشتراکات و تفاوت‌های نقاشی دیواری بقعه و پرده روز محشر محمد مدبر مشخص گردد. هدف، علاوه بر تأثیرگذاری مضامین دینی بر روح و جان آدمی، بیانگر نقش و حضور پررنگ قرآن کریم در زندگی مسلمانان است تا با دیدن تصاویری با مضمون اخروی، دریابند که اعمالشان بدون حسابرسی باقی نمی‌ماند. یافته‌های حاصل، به روش توصیفی تحلیل محتوا انجام شده‌اند و بیان می‌کنند علاوه بر تمایزات، تشابهات تصویری و تجسمی نیز بین این دو اثر وجود دارد که صرفاً به دلیل موضوع مشترک روز محشر نبوده، بلکه توجه به مضامین قرآنی و روایاتی که مورد پسند عامه مردم و در راستای اعتقادات شیعی آنان بوده که با صراحت و سادگی در بیان مفهوم معنوی روز محشر، این گونه تصویرپردازی‌ها را موجب شده است.

کلیدواژه‌ها:

روز محشر، نقاشی دیواری، پرده نقاشی، محمد مدبر، بقعه لیچا.

* دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، گروه هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صنایع اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)/

z.mehdypour@tabriziau.ac.ir

** استاد، گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / khazaiem@modares.ac.ir

*** استادیار، گروه هنر تجسمی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران / a.aabdollahie@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع داوری اخروی (روز محشر)، همواره یکی از مضامین مورد توجه مسلمانان است. اینکه سرنوشت انسان چه خواهد شد و چگونه اعمال نیک و بد او مورد سنجش قرار خواهد گرفت، همواره در آموزه‌های اسلامی به‌ویژه آیات قرآن کریم، بیش از دیگر موضوعات مورد توجه بوده است. در این روز، اعمال انجام‌شده آدمیان در زندگی دنیوی آن‌ها سنجش و داوری می‌شود و به تناسب اعمال نیک و بد، چهره‌ها و حالت‌هایی به‌عنوان نماد اعمال ظاهر می‌شود. «وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْآرِثَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يَطَاعُ: آنان را به روز نزدیک هشدار ده؛ روزی که از [شدت وحشت] قلب‌ها خشم خود را فروخورده، به گلوگاه‌ها می‌رسند. ستمکاران هیچ خویشاوندی و شفيعی نخواهند داشت که فریادرسشان باشد» (غافر: ۱۸). «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُغْلَمُونَ؛ درباره قیامت از تو می‌پرسند که در چه وقت واقع می‌شود؟ بگو: واقعه‌ای بس عظیم در آسمان‌ها و زمین است و فقط پروردگار می‌داند و جز او کسی وقتش را نمی‌داند و به‌طور ناگهان می‌آید» (اعراف: ۱۸۷). «در این زمان، ملکوت خداوند برقرار خواهد شد و جنگ، میان خدا و شیطان رخ می‌دهد و به پیروزی خداوند منجر می‌شود. در این حال است که نیکان به ملکوت آسمانی خواهند پیوست و بدان به درکات جهنم» (پازوکی ۱۳۹۷، ۱۱۴).

با وجود تأکید و توجه بسیار قرآن و روایات اسلامی به موضوع معاد و روز محشر، در زمینه هنری و نقاشی، به‌ندرت به این موضوع پرداخته شده است. مطالعات به‌عمل آمده نشان می‌دهد که هنر اسلامی به‌واسطه نوع نگرش، از ترسیم مضامین اخروی پرهیز کرده است، لیکن در دوره قاجار به‌شکل مستقل، شاهد ترسیم این مضامین در ابعاد بزرگ هستیم (رحمانی، محمودی، و حاج‌محمدحسینی ۱۳۹۶، ۱۰۳) و بارزترین جلوه‌های آن را در این عصر می‌توان دید. در واقع این مضامین، زمانی در میان عامه مردم جای پیدا کرد که تعزیه به اجرا درآمد (شاد قزوینی ۱۳۸۹، ۱۵) و بدین ترتیب ارتباطی میان این موضوعات مذهبی و تعزیه ایجاد شد. از جمله مهم‌ترین نقاشی‌ها با مضمون اخروی، پرده «روز محشر» اثر محمد مدبر، نقاش برجسته مکتب قهوه‌خانه‌ای است؛ همچنین می‌توان به نقاشی دیواری روز محشر بر روی یکی از دیوارهای بقعه لیچا در گیلان اثر نقاش، مهدی آقاچان لاهیجانی، متعلق به دوره قاجار اشاره کرد. در هر دو اثر، داوری، روز محشر و احوال بهشتیان و دوزخیان را در ابعاد بزرگ، یکی بر روی پرده برای نصب در مکانی متناسب با موضوع و دیگری، نقاشی بر روی سطح یکی از دیوارهای بقعه، به نمایش گذاشته‌اند.

بنابراین، در بررسی این آثار، پرسش زیر مطرح می‌شود:

اشتراکات و تفاوت‌های عناصر بصری و ساختاری در نقاشی دیواری بقعه و پرده محمد مدبر چیست؟

در این پژوهش، که با رویکرد تطبیقی به روش توصیفی تحلیل محتوا و گردآوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای انجام شده، نقاشی دیواری بقعه لیچا و پرده نقاشی محمد مدبر که از لحاظ موضوع مشترک‌اند، به‌لحاظ ساختاری و بصری بررسی گردیده است. با توجه به برخورداری این دو اثر از یک مضمون واحد، شناخت و بررسی تطبیقی عناصر در نقاشی دیواری و پرده روز محشر، از اهداف اصلی پژوهش به‌شمار می‌آید.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در باره روز محشر، نقاشی دیواری بقعه لیچا و پرده نقاشی محمد مدبر مطالعاتی انجام شده است که در این راستا می‌توان به کتب و مقالاتی اشاره کرد؛ از جمله: «تصویرپردازی هنری در سوره قیامت» (رفیعی و جدیدی ۱۳۹۳)، «چهل مجلس (دیوارنگاره‌های زیارتگاه‌های گیلان) (عیسی‌زاده ۱۳۹۲)، «ظهور و انعکاس اعمال در قیامت» (حسینی ۱۳۸۹)، «نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان» (محمودی‌نژاد ۱۳۸۸)، نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران (میرزایی مهر ۱۳۸۶)، «شباهت رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت» (الهی‌نژاد ۱۳۸۱).

در خصوص نقاشی دیواری بقاع و پرده محمد مدبر نیز می‌توان به مقالاتی اشاره کرد؛ از جمله: «بررسی ترسیمات پیکرنا مضامین اخروی در هنر اسلامی ایران» (رحمانی، محمودی، و حاج‌محمدحسینی، ۱۳۹۶)، «بررسی دلایل بازتولید نقاشی دیواری‌های بقاع نقشین منطقه گیلان» (اخویان ۱۳۹۶)، «بررسی مضمونی و زیباشناسی نقاشی‌های مذهبی عامیانه در بقعه لیچا از گیلان» (شاد قزوینی ۱۳۸۹)، «بقاع متبرکه» (شایسته‌فر ۱۳۸۷)، «مقایسه ساختاری پرده روز محشر اثر محمد مدبر و فرسک داوری واپسین اثر میکال آنز» (چاواری ۱۳۸۸).

بنابراین با بررسی کتب و مقالات نام‌برده مشخص شد که تاکنون هیچ پژوهشی در راستای مقایسه تطبیقی صحنه قیامت و روز محشر در نقاشی دیواری بقعه لیچا گیلان و پرده نقاشی اثر محمد مدبر صورت نگرفته است.

۲. روز محشر

بر اساس روایت قرآن کریم، سه روز ویژه به عنوان «ایام الله» یعنی روزهایی که به خدا نسبت داده می‌شود، وجود دارد که عبارت‌اند از: روز قیامت مهدی (ع) - قیامت صغری - روز رجعت و روز قیامت یا محشر - قیامت کبری - روز قیامت. در آخرت که دوره پس از این جهان مادی است، برپا می‌گردد. مسلمانان، آخر الزمان و آخرت را از یکدیگر متمایز دانسته و رخدادهای آخر الزمان را از نشانه‌های قیامت به شمار آورده‌اند (باغبانی آرائی ۱۳۹۶، ۷۱).

کلمه محشر در لغت، جای گردآمدن مردم و روز رستاخیز (عمید ۱۳۸۹، ۹۲۱) معنی شده است که همواره در متون دینی به نام‌های دآوری عظیم، واپسین دآوری، دآوری اخروی، روز قیامت، قیامت کبری، حسابرسی، یوم الحساب، یوم البعث، یوم التغابن، یوم التنادی، یوم الدین، یوم القرار، یوم الموعود و یوم المنصور (همان: ۱۰۸۸-۱۰۸۷) ذکر شده است. این روز و سنجش اعمال که جزء مفاهیم بنیادی در دین اسلام به شمار می‌آید، دومین اصل مهم اعتقادی یعنی ایمان به معاد و روز رستاخیز است که در قرآن کریم، با کلمه «میزان» همراه بوده و بیانگر این مطلب است که رسیدگی به حساب خلاق در دادگاه الهی و سنجش اعمال در ترازوی عدالت صورت می‌گیرد. «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ»؛ و ترازوهای عدالت را در روز قیامت می‌نهمیم و به هیچ کس ستمی نمی‌شود و اگر (اعمال خوب یا بد) هم‌وزن دانه خردلی باشد، آن را برای وزن کردن می‌آوریم و کافی است که ما حسابگر باشیم» (انبیاء: ۴۷). لذا قرآن کریم برای برپایی این روز، نشانه‌هایی را بیان می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اجرای عدالت و رسیدگی به حساب خلاق در دادگاه الهی: «ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ»؛ سپس همه به سوی خداوند، سرپرست و مولای بحقشان بازگردانده می‌شوند. آگاه باشید که حکم و دآوری مخصوص اوست و او، سریع‌ترین حسابرسان است» (انعام: ۶۲).

۲. نفخه صور^۱ و زنده شدن انسان‌ها برای دآوری و بهره‌مندی از جزا و پاداش الهی: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نَفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»؛ و در صور^۲ دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و زمین است می‌میرد، مگر کسی را که خدا بخواهد. آنگاه بار دیگر در صور دمیده می‌شود. ناگاه همه آنان بر پای ایستاده، مات و مبهوت به هر سو می‌نگرند که سرانجام کارشان چه خواهد شد» (زمر: ۶۸).

۳. برملا شدن باطن‌ها در روز دآوری: «وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ»؛ و هنگامی که نامه‌های اعمال را بکشایند» (تکویر: ۱۰). «وَجُودٌ يُؤْمِنُ الْمُسْفِرَةَ، صَاحِبَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ، وَوَجُودٌ يُؤْمِنُ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ، تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ، أَوْلَيْكَ هُمُ الْكُفْرَةُ الْفَجْرَةُ»؛ در آن روز چهره‌هایی درخشان و نورانی است، خندان و خوشحال، و در آن روز چهره‌هایی است که بر آنان غبار نشست، و سیاهی و تاریکی آنان را فرا گرفته است، آنان همه کافران بدکارند» (عبس: ۳۸-۴۲).

۴. رحمت و عذاب الهی: «اللَّهُ يَخْتَكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»؛ خدا در روز قیامت درباره آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید، دآوری خواهد کرد [تا مؤمنان با ورود به بهشت و ستیزه‌جویان با ورود به جهنم از هم مشخص و جدا شوند] (حج: ۶۹). بنابراین با توجه به آیات فوق و همچنین آیات و روایات بسیار دیگر در این زمینه، درمی‌یابیم که حیات و زندگی این جهان پایانی دارد و روزی فرامی‌رسد که مرگ به سراغ همگان خواهد آمد و اجرای عدالت و تحقق آن که از مهم‌ترین رویدادهای روز قیامت - روز محشر - است، به امر خداوند توسط فرشتگانی که مأمور شده‌اند تا اعمال آدمیان را با ترازوی عدالت بسنجند صورت می‌گیرد. البته در این روز، علاوه بر مردگانی که برای حسابرسی زنده شده‌اند، کسانی همچون حضرت محمد (ص) و اهل بیت ایشان نیز حضور دارند که به اعتبار آبرومندی و موقعیت خاصی که در پیشگاه حضرت حق دارند، برای شفاعت صالحان قیام می‌کنند و خداوند نیز شفاعت آنان را می‌پذیرد (نوری ۱۳۶۹، ۱۶).

۳. بقعه لیچا در گیلان

بقعه آقا سید محمد یمنی بن امام موسی الکاظم (ع)، معروف به بقعه لیچا، در روستای لیچا واقع در ۳ کیلومتری شمال شرقی شهر لشت‌نشا در استان گیلان قرار دارد. این بقعه متعلق به دوره قاجار است و از جمله بقاع گیلان بوده که بر دیوارهای داخلی و خارجی و نیز ستون‌های آن، نقاشی‌هایی با مضامین مذهبی کشیده شده است؛ البته به دلیل مرمت بنا و نیز به سبب رطوبت، تا کمر دیوار بقعه را با سنگ پوشانده‌اند و به همین



تصویر ۱: نقاشی دیواری، دیوار خارجی پشت بقعه لیجا، گیلان، نقاش: مشهدی آقاجان لاهیجانی، ۱۳۴۴ق/۱۳۰۴ش

علت، بخشی از نقاشی دیواری ایوان و ستون‌های آن از بین رفته است. اکثر صحنه‌های نقاشی شده بر دیوارهای بقعه، نقاشی‌هایی با مضامین مذهبی همچون معراج پیامبر (ص)، واقعه کربلا و مضامین مرتبط با آن است که احترام و ارادت مردم منطقه به اهل بیت (ع) را نشان می‌دهد. در بین نقاشی‌های دیواری، بر دیوار خارجی پشت بقعه، تصاویری مشاهده می‌شود که پل صراط، روز محشر و قیامت (تصاویر ۱ و ۲) نقاشی شده است. درباره نقاش آن، اگرچه نوشتن نام هنرمند و تاریخ در نقاشی‌های بقاع، چندان مرسوم نبود، خوشبختانه هنرمند نقاشی‌های این بقعه، نام خود را بر کتیبه‌ای بالای سردر ورودی حرم در کنار یکی از نقاشی‌ها آورده است: «مشهدی آقاجان، ولد مرحوم استاد غلامحسین نقاش لاهیجانی به سال ۱۳۴۴ق» (شاد قزوینی ۱۳۸۹، ۱۶). مشهدی آقاجان از شاخص‌ترین نقاشان دیواری بوده است که این هنر را از پدر خود، غلامحسین آموخته است. او پیوسته، نام خود را همراه نام پدرش، در نقاشی‌هایش ذکر می‌کرد و پدر را استاد خود خطاب می‌نمود (شایسته‌فر ۱۳۸۷، ۲۰).

۴. محمد مدبر



تصویر ۲: پل صراط و روز محشر، بخشی از نقاشی دیواری بقعه لیجا (عیسی‌زاده ۱۳۹۲، ۴۸)

محمد مدبر، نقاش ایرانی (۱۲۶۹-۱۳۴۵ش) از استادان و بنیان‌گذاران برجسته مکتب نقاشی به‌شیوه قهوه‌خانه‌ای بود که عموماً به موضوعات مذهبی در آثارش می‌پرداخت. وی از جمله هنرمندانی بود که نقاشی قهوه‌خانه‌ای را به اوج شکوفایی رساند (پاکباز ۱۳۸۴، ۲۰۲). وی آثار مذهبی متعددی مطابق موضوع‌های اصلی نقاشی قهوه‌خانه‌ای همچون وقایع

کربلا و قصص قرآنی (همان، ۲۰۱) بر روی پرده به اجرا درآورده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پرده «روز محشر» به تاریخ ۱۳۱۵ش (تصویر ۳) که روایتی است از روز قیامت و زنده شدن مردگان و حسابرسی به اعمال انسان‌های نیک و بد و دیگری، مصیبت کربلا و وقایع مربوط به آن که در سال ۱۳۲۵ش تصویر شده است (چاواری ۱۳۸۸، ۱۶۱). در واقع نقاش، این مضامین را مطابق با شرحی که از زبان نقال، تعزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان می‌شنید و همان گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود می‌داشت، به تصویر کشیده است (پاکباز ۱۳۸۴، ۲۰۱).



تصویر ۳: پرده روز محشر، محمد مدبر، رنگ روغن، ۱۳۱۵ش (محمدزاده ۱۳۹۰، ۱۰۳)

۵. بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در نقاشی دیواری روز محشر در بقعه لیچا و پرده روز محشر اثر محمد مدبر

در نقاشی دیواری بقعه لیچا و پرده نقاشی مدبر که هر دو حول محور زندگی پس از مرگ و قیامت روز محشر - به تصویر کشیده شده‌اند، می‌توان از لحاظ بصری و تجسمی و به‌طور کلی از لحاظ ساختاری، مورد بررسی و سنجش قرار داد تا بتوان به ویژگی‌های مشترک و متمایز و در نهایت روابط و تأثیر و تأثرهای بین آن‌ها دست پیدا کرد. از جمله عناصر مشترک بین آن‌ها عبارت است از:

۱.۵. عناصر بصری

۱.۱.۵. حاضرین در صحنه روز محشر

در نقاشی دیواری بقعه، فقط انسان‌هایی که برای حسابرسی اعمالشان زنده شده‌اند، در کنار فرشته عدالت به تصویر درآمده‌اند؛ آن‌ها با در دست داشتن نامه اعمال خود از سمت راست تصویر وارد شده و پس از عبور از پل صراط، در میانه نقاشی دیواری، نامه اعمالشان توسط ترازوی عدل الهی مورد سنجش و داوری قرار می‌گیرد تا مشخص گردد چه کسانی به بهشت و چه کسانی به دوزخ رهسپار می‌شوند. درحالی که در پرده مدبر، برخلاف نقاشی بقعه، با خیل عظیمی از پیکرها روبه‌رو هستیم که از سمت چپ وارد قاب تصویر شده و به سمت راست، آنجایی که بهشت و دوزخ در دو مرتبه بالا و پایین قرار گرفته‌اند، حرکت می‌کنند و در مسیر حرکت افراد در میانه پرده، جایی که ترازوی عدالت قرار دارد، مورد قضاوت و داوری اعمال خود قرار می‌گیرند (تصاویر ۱، ۲ و ۳). همچنین در پرده روز محشر، مدبر، نام هر دسته از افراد حاضر در این صحنه را به سیاق نقاشان مکتب قهوه‌خانه‌ای، با هدف صراحت بیان و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب در کنارشان نوشته است برخلاف آنچه در نقاشی دیواری هیچ عنوانی در کنار افراد مشاهده نمی‌شود.



تصویر ۵: بخشی از پرده نقاشی اثر محمد مدبر



تصویر ۴: بخشی از نقاشی دیواری بقعه لیچا

نقاش دیواری بقعه برخلاف پرده مدبر، چهره و اندام‌های افراد در روز محشر را بدون در نظر گرفتن اصول کالبدشناسی و آناتومی انسان، بر اساس احساس و جهان‌بینی ذهنی خویش به گونه‌ای کاملاً ابتدایی و خام‌دستانه تصویر کرده است تا مورد پسند سلیقه عامه باشد. در خصوص پوشش پیکرها، در نقاشی دیواری، به‌جز فرشته عدالت در مرکز تصویر، آن عده از مردگان که برای حسابرسی اعمالشان زنده شده‌اند، برهنه یا نیمه‌برهنه‌اند؛ زنان فقط چادری یا کفنی بر سر گذاشته ولی دست‌های بیرون‌آمده آن‌ها از زیر چادر نشان می‌دهد که تن‌پوشی بر تن ندارند (تصویر ۴)، درحالی که در پرده مدبر، به‌لحاظ اعتقادات مذهبی حاکم بر زمانه هنرمند و نیز محل نصب پرده در محل‌های عزاداری، دکان‌ها، زورخانه‌ها یا قهوه‌خانه‌ها، تمام پیکرهای مقدس، پوشش رسمی بر تن دارند. همچنین مردگانی که برای سنجش و داوری زنده شده‌اند برخلاف نقاشی دیواری، کاملاً با کفن سفید پوشیده شده‌اند؛ البته فقط تعدادی از گناهکاران در دهان مار غاشیبه در سمت راست پایین تصویر و نگهبانان دوزخی پایین کادر، نیم‌تنه‌ای بر تن دارند (تصویر ۵).

۲.۱.۵. موجود اژدهاوش (مار غاشیبه)

بر اساس منابعی چون بحار الانوار، در جهنم مراتبی است که انسان‌ها برحسب شدت یا ضعف گناهانشان در آن عذاب داده می‌شوند. در آخرین طبقه جهنم، طبقه هفتم که محل عذاب بدعت‌گزاران است (محمدزاده ۱۳۹۰، ۱۰۵)، مار غاشیبه چمبره زده و همراه با موجودات مخوف دیگری همچون عقرب جراره، گناهکاران را عذاب می‌دهد.



تصویر ۶: بخشی از نقاشی دیواری بقعه لیجا



تصویر ۷: بخشی از پرده محمد مدبر

بنابراین مطابق متون دینی، این موجود ازدهاوش در نقاشی دیواری که دارای هفت سر بوده (البته به دلیل مرمت بنا و رطوبت، بخش‌هایی از نقاشی از بین رفته) (شاد قزوینی ۱۳۸۹، ۱۵ و ۱۷) همان مار غاشیه می‌باشد که در حال بلعیدن گناهکاران تصویر شده است. در این صحنه (تصویر ۶) انسان‌هایی در دهان مار غاشیه یا همان ازدهای هفت سر دیده می‌شوند که رنگ پوست بدنشان نسبت به افرادی که هنوز نامه اعمالشان سنجیده نشده، تیره‌تر و چهره‌هایشان درهم‌فرورفته و هراسناک است؛ گویی فریادهای آن‌ها از شدت ترس و وحشت به گوش می‌رسد. همچنین در اطراف این مار غاشیه، مارهای باریک و کوچک زیادی دیده می‌شود که دورتادور گناهکاران را فراگرفته و به نیش زدن آنان مشغول‌اند. این صحنه در پرده نقاشی محمد مدبر به‌گونه‌ای تصویر شده است که در اولین برخورد، توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. (تصویر ۷). مار غاشیه با چندین سر که بخش اعظم آن در گوشه سمت راست پایین تصویر در حال بلعیدن و عذاب بدکاران و گناهکاران است؛ همچنین در گوشه سمت چپ پایین تصویر، سری دیگر از این مار یا ازدهای چندسر دیده می‌شود. البته در اینجا برخلاف نقاشی دیواری، نه تنها رنگ پوست افراد تیره نیست بلکه می‌توان گفت نگرانی و ترسی در چهره آن‌ها مشاهده نمی‌شود و فقط تلاش آن‌ها را برای بیرون کشیدن خود از دهان مار نظاره‌گیریم. البته وجه وحشت‌آور در این بخش از پرده را می‌توان به شمایل و دهان باز مار غاشیه نسبت داد.

۳-۱-۵. فرشته

در نقاشی دیواری، فقط یک فرشته و آن هم، فرشته عدالت تقریباً در مرکز تصویر در کنار دوزخ قرار دارد که چهره‌ای همانند نقاشی‌های کودکانه و ابتدایی دارد. با پوششی کاملاً سفیدرنگ، تاج بر سر با دو بال که با ترازوی عدل الهی در حال وزن کردن و سنجش اعمال افراد می‌باشد، اما در پرده روز محشر، فرشتگان بسیاری مشاهده می‌شود که چهره‌هایی شبیه به زنان با لباس‌های قجری، تاج بر سر، با دو بال شبیه بال قو (چاواری ۱۳۸۸، ۱۷۲) دارند. همچنین در مقابل دوزخ، سه فرشته دیده می‌شود که فرشته میانی، فرشته عدالت بوده و در اینجا نیز همانند نمونه فوق، ترازو در دست دارد و در دو سویش، فرشته گناه و ثواب قرار دارند. فرشته عدالت در صحنه روز محشر اثر مدبر، پوششی همانند پوشش پیکره‌های نقوش برجسته ساسانی بر تن دارد (همان، ۱۷۲). نکته جالب توجه در هر دو تصویر، وجود شیطان در کنار فرشته عدالت می‌باشد که در هر دو صحنه، شیطان با پیکره‌ای تیره، نیمه‌برهنه یا پوشیده ترسیم شده است. با کلاه قیفی کج، ریش یا سیل باریک، دست‌های خود را به‌سوی یکی از کفه‌های ترازو بلند کرده است، گویی قصد دارد توازن ترازو را بر هم بزند (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۹: بخشی از پرده روز محشر



تصویر ۸: بخشی از نقاشی دیواری

۴-۱۵. ترازو

«وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُخْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَزْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷). آیه فوق بیانگر تأکید بر عدالت و سنجش است که در قرآن کریم، معادل این مسئله، کلمه میزان به کار رفته است و هنرمندان، با نشان دادن فرشته عدالت که ترازویی در دست دارد، این مفهوم را به خوبی تصویر کرده‌اند. در واقع در روز محشر، پیامبری برای داوری انتخاب نشده، بلکه داوری و سنجش اعمال بر عهده فرشته عدالت و سایر فرشتگان خداوند است.

۵-۱۵. تاج

بر اساس تصاویر ۸ و ۹، فرشتگان همواره با تاجی بر سر تصویر شده‌اند و شناخت آن‌ها از افراد دیگر در صحنه، از طریق تاج میسر می‌شود. در واقع وجود تاج بر سر آن‌ها، به معنی سلطنت معنوی ایشان بر این جهان و نظارت بر اعمال و کردار مردم و نیز برگزیده بودنشان از سوی خداوند است (اخویان ۱۳۹۶، ۷۵).



تصویر ۱۱: بخشی از پرده مدبر



تصویر ۱۰: بخشی از نقاشی دیواری

۶-۱۵. مأموران دوزخی

مطابق تصویر ۱۰، مأمور دوزخ با پوستی تیره که نیم‌تنه‌ای بر تن و گریزی در دست دارد مشاهده می‌شود که با ایستادن در کنار ترازو، با اشاره دست خود به سمت دوزخ، گنهکاران را راهنمایی می‌کند. اما در پرده روز محشر مدبر، مأموران دوزخی در شکل و قیافه خاصی دیده می‌شوند، بدن‌های آن‌ها به رنگ سبز و قهوه‌ای با سرهایی شبیه به سر انسان، بینی عقابی، دو شاخ کوچک و بال‌های خفاش یا عقاب ترسیم شده‌اند (تصویر ۱۱). تنها وجه مشترک این دو صحنه، وظیفه و نقش مأموران دوزخ در فرستادن گنهکاران به دوزخ و عذاب آن‌هاست.

شایان ذکر است که علاوه بر عناصر نام‌برده، عناصر بصری دیگری نیز در پرده روز محشر محمد مدبر وجود دارد که در نقاشی دیواری بقعه، هیچ اثری از این عناصر دیده نمی‌شود؛ از جمله: حضرت فاطمه (س) سوار بر شتر و فرشتگانی بر بالای سر حضرت که سری کودکانه دارند با دو بال و بدون بدن که ایشان را همراهی می‌کنند. در جلوی حضرت فاطمه (س)، شهدای سر بریده کربلا و در پایین پای ایشان، پیامبران الهی برای شفاعت از امت خویش حضور یافته‌اند. همچنین فرشتگانی که سرهای بریده یاران امام حسین (ع) را در دست دارند و پشت سر امام به صف ایستاده‌اند (تصاویر ۱۲ و ۱۳). نیز دو موجود با پوست تیره با گرزهایی آتشین در دست، در سمت چپ تصویر بر بالای یک جسد قرار گرفته‌اند که بدون شاخ و دارای گوش‌های بلند همانند دیوها نقاشی شده‌اند؛ گویی همان نکیر و منکر در روز محشرند.



تصویر ۱۳: فرشتگان پشت سر امام حسین (ع)



تصویر ۱۲: حضرت فاطمه (س) و فرشتگان اطراف ایشان

۲-۵. عناصر تجسمی

۱-۲-۵. رنگ و نور

در این دو اثر که همانند نقاشی ایرانی، پرسپکتیو ندارند، عنصر رنگ برای نشان دادن ویژگی ظاهری اشخاص حاضر در روز محشر بسیار حائز اهمیت است. همچنین در هیچ‌یک از تصاویر فوق، منبع نور مشخصی در صحنه حضور ندارد. در واقع نقاش دیواری بقعه بدون توجه به نور، سایه‌روشن، عمق‌نمایی و بدون در نظر گرفتن رنگ واقعی و طبیعی عناصر و پیکره‌ها، کاملاً بر اساس زیبایی‌شناسی حسی خود و استفاده از رنگ‌های خالص و درخشان به صورت تخت و یکدست، سطح دیوار را رنگ‌آمیزی کرده است. نقاش بیشتر از رنگ‌های قرمز، به خصوص قرمز اخزایی برای رنگ بدن مأمور دوزخ، مار غاشیه و همچنین لباس شیطان که بیانگر حزن و اندوه موضوع نقاشی بوده و نیز رنگ‌های تیره و سفید استفاده کرده است. البته برای رنگ سفید، معمولاً از سفیدی گچ دیوار استفاده شده است. «نقاش، هرچه روستایی‌تر، اثرش نیز شوریده‌تر، حسی‌تر، ذهنی‌تر، ذوقی‌تر و آزادتر، بدون قراردادهای ازپیش تعریف‌شده و رعایت نمادهای رنگی...» (میرزایی‌مهر ۱۳۸۷، ۶۴). اما در پرده روز محشر اثر مدبر، تنوع رنگ بیشتری نسبت به نقاشی دیواری مشاهده می‌شود؛ انواع رنگ‌های قهوه‌ای، اکر، سبز تیره، قرمز و سفید، بنا به ویژگی افراد به کار برده شده‌اند و برخلاف نقاشی دیواری، رنگ‌آمیزی در اینجا دارای سایه‌روشن و حجم‌پردازی به‌شیوه نقاشی اروپایی است.



تصویر ۱۴: بخشی از پرده روز محشر مدبر

۲-۲-۵. بهشت

در نقاشی دیواری، تمام توجه نقاش بر نشان دادن گنهکاران و دوزخیانی بوده که با در دست داشتن نامه اعمال خود و عبور از پل صراط، عذاب می‌شوند و اثری از بهشت و بهشتیان دیده نمی‌شود. حال آنکه این بخش در پرده نقاشی مدبر به زیبایی ترسیم شده است. نقاش، صحنه بهشت را با حضور ائمه اطهار (ع) در بخش بالای سمت راست تصویر، با قاب‌بندی از سایر بخش‌های پرده جدا کرده است. این بهشت با دروازه‌ای آراسته از پرتوه‌های متعدد و در داخل باغ و حوضی در میان آن تصویر شده که در انتهای باغ بهشت، کاخی به‌سبک اروپایی نیز نقاشی شده است (تصویر ۱۴).

۳-۲-۵. دوزخ

همان گونه که در تصاویر مربوط به نقاشی دیواری بقعه مشاهده شد، عناصری چون پل صراط، صف کفن‌پوشان، ترازوی عدالت، فرشته عدالت، مأمور دوزخ، شیطان، مار غاشیه و... همگی بیانگر عذاب بدکاران در دوزخ و بلعیده شدنشان توسط مار غاشیه است که همین صحنه به شکل و فرم دیگری نیز در اثر مدبر دیده می‌شود. در واقع هدف نقاشان از نشان دادن این بخش از روز محشر، همانا اثرگذاری بیشتر بر روح و جان بیننده بوده تا همواره آگاه باشند که ذره‌ای از اعمال آن‌ها، بی‌حسابرسی و سنجش باقی نمی‌ماند.

جدول مقایسه‌ای ۱: تطبیق عناصر بصری در نقاشی دیواری روز محشر در بقعه لیچا و پرده روز محشر اثر مدبر (نگارندگان)

مضمون مشابه	تصویر نقاشی دیواری بقعه	تصویر پرده اثر مدبر	مشخصات
۱	کفن پوشان		نقاشی دیواری: حرکت مردگانی برهنه یا نیمه‌برهنه زنده‌شده برای حسابرسی از سمت راست و عبور از پل صراط. پرده محمد مدبر: ورود خیل عظیمی از پیکره‌های کفن‌پوش از سمت چپ و حرکت به سمت راست.
۲	مار غاشیبه		در هر دو اثر، مار غاشیبه همان موجود اژدهاوش چندسر یا هفت‌سر در طبقه آخر دوزخ که گنهکاران را می‌بلعد.
۳	فرشته عدالت		نقاشی دیواری: چهره‌ای همانند نقاشی‌های کودکانه و ابتدایی در پوششی کاملاً سفیدرنگ، تاج بر سر با دو بال به‌همراه ترازوی عدل الهی. پرده محمد مدبر: چهره‌ای شبیه به زنان، تاج بر سر، با دو بال و پوششی همانند پوشش پیکره‌های نقوش برجسته ساسانی، به‌همراه فرشته گناه و ثواب در دو سویش. \neq در هر دو تصویر، کنار فرشته عدالت، شیطان دیده می‌شود که با دراز کردن دستش به سمت یکی از کفه‌های ترازو قصد بر هم زدن توازن را دارد.
۴	ترازو		در هر دو اثر برای عدالت و سنجش اعمال انسان‌ها و به دست فرشته عدالت انجام می‌شود.
۵	تاج		در هر دو تصویر بیانگر سلطنت معنوی ایشان بر این جهان و نظارت بر اعمال و کردار مردم و نیز برگزیده بودنشان از سوی خداوند است.
۶	مأموران دوزخ		نقاشی دیواری: با پوستی تیره و نیم‌تنه‌ای بر تن و گریزی در دست. پرده محمد مدبر: بدن‌های آن‌ها به رنگ سبز و قهوه‌ای با سرهایی شبیه به سر انسان، بینی عقابی، دو شاخ کوچک و بال‌های خفاش یا عقاب. \neq وجه مشترک: فرستادن گنهکاران به دوزخ و عذاب آن‌ها.

جدول مقایسه‌ای ۲: تطبیق عناصر تجسمی در نقاشی دیواری روز محشر در بقعه لیچا و پرده روز محشر اثر مدبر (نگارندگان)

مضمون مشابه	تصویر نقاشی دیواری بقعه	تصویر پرده اثر مدبر	مشخصات
۱	رنگ و نور		نقاشی دیواری: رنگ آمیزی تخت و یکدست با رنگ‌های قرمز، به‌خصوص قرمز اخراپی برای رنگ بدن مأمور دوزخ، مار غاشیبه و همچنین لباس شیطان که بیانگر حزن و اندوه موضوع نقاشی بوده و نیز رنگ‌های تیره و سفید. پرده محمد مدبر: انواع رنگ‌های قهوه‌ای، اکر، سبز تیره، قرمز و سفید بنا به ویژگی افراد. هر دو اثر فاقد منبع نور مشخص و تنها تفاوت در حجم‌پردازی و سایه‌روشن در پرده مدبر برخلاف نقاشی دیواری است.
۲	بهشت		نبودن تصویر بهشت در نقاشی دیواری. پرده محمد مدبر: در بخش بالای سمت راست تصویر، با قاب‌بندی از سایر بخش‌های پرده جدا شده است. با دروازه‌ای آراسته از پرتوهای متعدد و دارای باغ و حوضی که در انتهای باغ، کاخی به‌سبک اروپایی نقاشی شده است.
۳	دوزخ		نقاشی دیواری: پل صراط، صف کفن‌پوشان، ترازوی عدالت، فرشته عدالت، حرکت دست مأمور دوزخ به سمت مار غاشیبه و دوزخ، شیطان، مار غاشیبه. پرده محمد مدبر: حضور نکیر و منکر در سمت چپ بر بالای جسد، مأموران دوزخی در ردیف جلو، شیطان در کنار ترازوی عدالت، مار غاشیبه در حال بلعیدن گنهکاران.

۶. نتیجه

مطالعه نقاشی دیواری بقعه و پرده روز محشر اثر محمد مدبر، وجود مضامین مشابه و متفاوتی را در شیوه‌های بیان تصویری توسط هنرمند نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که آگاهی هنرمند از تعالیم قرآنی و اعتقادات مذهبی، سبب بروز ویژگی‌های مشترک، و آمال و علایق ملی، تأثیرات فرهنگی، اقلیمی و همچنین نوع نگرش‌های مسلط در زمانه هنرمند، باعث ایجاد تفاوت‌هایی بین آن‌ها شده است. در هر دو اثر که بسیار دور از جو و فضای ذائقه هنری درباری و متناسب با سلیقه عوام به وجود آمده‌اند، سادگی و صراحت بیان تصویری به‌وضوح دیده می‌شود؛ به‌ویژه در نقاشی دیواری، به‌سهولت می‌توان به معنای اثر دست یافت و این صراحت بیان را می‌توان یکی از ویژگی‌های هنر غیردرباری و عامیانه به شمار آورد. در واقع نقاش این‌گونه آثار، از میان اصناف برخاسته و بنا به ایمان و علاقه خود و از طریق تجربی، فن نقاشی دیواری و پرده‌نگاری با رنگ روغنی را آموخته است.

در روند بررسی تطبیقی بین نقاشی دیواری بقعه لیچا و پرده محمد مدبر با موضوع مشترک روز محشر، علاوه بر شباهت‌های بصری یا تجسمی، تفاوت‌هایی نیز داشته‌اند که سبب بروز اثری با ویژگی‌های خاص خود شده است؛ از جمله: تمامی افراد حاضر در صحنه روز محشر اثر مدبر، دارای پوشش و تن‌پوش مناسبی هستند برخلاف نقاشی دیواری؛ زیرا موضوع پرده، محل نصب آن را معین می‌کرد که ممکن بود این پرده‌ها علاوه بر قهوه‌خانه‌ها، در محل‌های عزاداری، دکان‌ها، زورخانه‌ها و... آویخته می‌شدند، لذا این پرده‌ها همانند نقاشی دیواری، مکان ثابتی نداشتند. از سوی دیگر به‌دلیل اینکه نقاش پرده، این موضوعات را مطابق با شرحی که از زبان تقال، تزییه‌خوان، مداح و روضه‌خوان می‌شنید و همان‌گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود داشت، به تصویر می‌کشید. همچنین حضور پیامبر (ص)، حضرت فاطمه (س)، امام علی (ع) و سایر امامان و شهدای کربلا و اهل بیت ایشان در پرده روز محشر مدبر، از دلایل پوشیدگی رسمی و مناسب پیکره‌هاست. اما در نقاشی دیواری بقعه، نقاش بدون در نظر گرفتن نوع معماری یا شخصیت مذهبی که در آن محل دفن شده، بنا به سلیقه

خود و کاملاً آزادانه، گرداگرد دیوارها را از داخل و خارج بنا نقاشی می‌کرده است. در واقع این نوع نقاشی‌ها علاوه بر بار معنایی، برای بهبود بیماری، نذر بقعه نیز می‌شده‌اند.

از دیگر ویژگی‌های متمایز بین این دو تصویر، در پرده روز محشر، مطابق شیوه نقاشی قهوه‌خانه‌ای، برای صراحت و سادگی بیان و اثرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب، نام اشخاص در کنار تصویرشان نوشته شده است. که این صراحت و سادگی در نقاشی دیواری به شکل بداهه‌گری، اجرای مستقیم موضوع بر روی دیوار بدون پیش طرح، طراحی و ترکیب‌بندی همچون هنر ابتدایی در نقوش و اشکال و عدم رعایت آناتومی طبیعی پیکره‌ها و نیز استفاده از رنگ‌های تند و خالص به صورت تخت و یکدست بدون رعایت سایه‌روشن و حجم‌پردازی و کاملاً به صورت دوبعدی به بیننده القا می‌شود. به طور کلی می‌توان بیان کرد که بقاع متبرکه و پرده‌های مذهبی، بهترین فضا و بستر برای خلق آثاری تأثیرگذار بر عوام بوده است. در واقع، حضور قرآن کریم در زندگی مسلمانان، وجود آیات و روایات بسیار درباره معاد و آخرت و حسابرسی اعمال، موجب رجوع هنرمندان به تصویر کردن روایات قرآنی شده است که هدفشان، مصور ساختن داستان‌ها و روایت‌های مورد پسند عامه مردم، اثرگذاری بر روح و جان بیننده و تعمق در اعمال و احوال خود در زندگی این جهانی و پس از آن و نیز دریابند که ذره‌ای از اعمال انسان، بی حسابرسی باقی نمی‌ماند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نغخه صور: بادی که اسرافیل در روز رستاخیز در صور خود می‌دمد و مردگان زنده می‌شوند (عمید ۱۳۸۹، ۷۳۰).
۲. صور: بوق، شیپور، شاخی که در آن بدمند و آوازی از آن خارج شود (همان‌جا).

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: نشر قلم و اندیشه.
۲. اخویان، مهدی. ۱۳۹۶. «بررسی دلایل بازتولید نقاشی دیواری‌های بقاع نقشین منطقه گیلان». فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ش. ۴۲: ۸۱-۷۱.
۳. الهی‌نژاد، حسین. ۱۳۸۱. «شباهت رستاخیز مهدی (ع) با رستاخیز آخرت». مبلغان، ش. ۳۱: ۵۹-۴۷.
۴. باغبانی آرانی، جواد. ۱۳۹۶. «بررسی تطبیقی ارتباط آخرالزمان و موعود در قرآن و عهدین». فصلنامه علمی ترویجی پژوهش‌های مهدوی، ش. ۲۳: ۹۰-۷۱.
۵. پازوکی، شهرام. ۱۳۹۷. حکمت مسیحی (مطالعه‌ای تطبیقی با حکمت مسیحی). تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۶. پاکباز، رویین. ۱۳۸۴. نقاشی ایران. تهران: انتشارات زرین و سیمین.
۷. چاواری، سعید. ۱۳۸۸. «مقایسه ساختاری پرده "روز محشر" اثر محمد مدبر و فرسک "داوری واپسین" اثر میکال آنژ». فصلنامه هنر، ش. ۸۱: ۱۷۹-۱۶۰.
۸. حسینی، سید جواد. ۱۳۸۹. «ظهور و انعکاس اعمال در قیامت (چهره‌ها و چشم‌های گریان و خندان (۱))». مبلغان، ش. ۱۲۷: ۷۴-۶۴.
۹. رحمانی، نجیبه، فتانه محمودی، و همایون حاج محمدحسینی. ۱۳۹۶. «بررسی ترسیمات پیکرنا مضامین اخروی در هنر اسلامی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ش. ۴۳: ۱۱۷-۱۰۳.
۱۰. رفیعی، یدالله، و لیلا جدیدی. ۱۳۹۳. «تصویرپردازی هنری در سوره قیامت». پژوهش‌های قرآنی در ادبیات. دانشگاه لرستان، ش. ۲: ۲۶-۱.
۱۱. شاد قزوینی، پریسا. ۱۳۸۹. «بررسی مضمونی و زیباشناسی نقاشی‌های مذهبی عامیانه در بقعه لیچا از گیلان». هنرهای تجسمی، ش. ۴۱: ۲۲-۱۳.
۱۲. شایسته‌فر، مهناز. ۱۳۸۷. «بقاع متبرکه». کتاب ماه هنر، ش. ۱۱۷: ۲۴-۶.
۱۳. عمید، حسن. ۱۳۸۹. فرهنگ لغت جیبی عمید. تهران: راه رشد.
۱۴. عیسی‌زاده، پیمان. ۱۳۹۲. چهل مجلس (دیوارنگاره‌های زیارت‌گاه‌های گیلان). رشت: فرهنگ ایلیا با همکاری حوزه هنری گیلان.

۱۵. محمدزاده، مهدی. ۱۳۹۰. «نقد شمایل‌شناسانه و کاربرد آن در حوزه نقاشی مذهبی عصر قاجار». نقدنامه هنر، ش. ۱: ۹۷-۱۰۷.
۱۶. محمودی‌نژاد، احمد. ۱۳۸۸. نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
۱۷. میرزایی‌مهر، علی‌اصغر. ۱۳۸۷. نقاشی‌های بقاع متبرکه ایران. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۸. نوری، آیت‌الله حسین. ۱۳۶۹. «شفاعت روز قیامت». پاسدار اسلام، ش. ۱۰۶: ۱۶-۱۸.

